

داستان های علمی برای نوجوانان

Annette cartis klausse

O علی خاکبازان

Journal of youth Sciences Libraries vol.3 No.2 winter 1995

را هم می توان در زمره داستان های علمی به حساب آورد؛ چرا که در نوشتن آن از عناصر داستان های علمی بهره گرفته شده است. در این صورت، می توان گفت که نویسنده از زبان علمی، برای داستان تخیلی خود استفاده کرده یا برعکس، از زبان تخیلی، در داستان علمی بهره جسته است. حتی برخی از نویسندگان تلاش می کنند با استفاده از عناصر و ابزارهای این دو نوع داستان در کنار هم، تفاوت ها را تا حد امکان از بین ببرند یا کم رنگ سازند، اما تفاوت اصلی هم چنان پابرجاست.

داستان علمی اساساً به ظرفیت استفاده از علم و نقش آن در آینده بشر بر این کره خاکی و به طور کلی در این جهان پهناور می اندیشد. این نوع داستان، با در نظر گرفتن یافته های علمی، تلاش می کند امکان وقوع حوادث و خواسته های بشر را بسنجد؛ گرچه ممکن است حوادث یا خواسته های طرح شده در داستان تا سال ها و حتی قرن ها بعد از آن به وقوع نپیوندند.

از روی شواهد و قرائن به دست آمده علمی، به طور دقیق می توان گفت که وقوع چه چیزهایی امکان دارد؛ گرچه محتمل بودن آن را نمی توان به طور دقیق مشخص کرد. حال آن که داستان های خیالی، اغلب با غیرممکن ها سروکار دارند و مبنای آن ها علم نیست، بلکه جادوگری و ماوراء طبیعت است.

حدود و شدت آن یکسان نیست. این محدوده سنی، دوره ای طولانی از تغییرات و دگرگونی ها را دربر می گیرد که در نقاط مختلف جهان، یکسان و همزمان نیستند. در عین حال، باید توجه داشت که آن چه برای انتهای این محدوده سنی مناسب است، الزاماً برای جوان ترها و کسانی که در ابتدای این محدوده سنی قرار دارند، مناسب نخواهد بود. البته در این میان، تفاوت جنسی بین مخاطبان را هم در نظر نگرفته ام، اما هر چه مخاطب به خواندن افکار و عقاید دیگران، به همان اندازه خواندن داستان های حادثه ای علاقه مند باشد یا افکار سوفسطایی و انتزاعی داشته باشد، بهتر می تواند داستان های علمی را که می خواند، به تصور درآورد.

جاذبه داستان علمی

داستان علمی، مترادف داستان خیالی نیست، گرچه ممکن است کسی آن را زیر مجموعه داستان خیالی به حساب آورد. بسیاری از کتابداران و حتی منتقدان، این دو نوع داستان را از هم تمیز نمی دهند و تفاوت چندانی بین این دو نوع قائل نیستند، چرا که دیده اند برخی از نویسندگان داستان های علمی، داستان های خیالی هم می نویسند و یا برخی از نشریات، هر دو نوع را تحت یک سر کلیشه به چاپ می رسانند. علاوه بر این ها، تعداد قابل توجهی از داستان های خیالی

داستان های علمی، گرچه امروزه نسبت به گذشته، طرفداران بسیار بیشتری پیدا کرده است، هنوز هم خوانندگان مختص به خود را دارد. شما ممکن است این نوع داستان ها را دوست نداشته باشید یا فکر کنید که دوست دارید، اما به سختی می توانید پی ببرید که دوستداران و طرفداران این داستان ها، چه چیز یا چیزهایی از خواندن آن ها به دست می آورند. کتابداران به خوبی می دانند که مشکل بتوان شاخه ای از ادبیات را یافت که حداقل در حاشیه خود طرفدارانی نداشته باشد؛ گرچه داستان های علمی، در بین جوانان و نوجوانان، از چنان خوانندگان پروپا قرصی برخوردارند که دیگر نمی توان آن ها را به حاشیه راند.

در این جا میل دارم دلایل خود را دال بر اهمیت داستان های علمی ذکر کنم و به شما اطمینان دهم که داستان های علمی بسیاری وجود دارد که می توانید از خواندن آن ها لذت ببرید و نیز شیوه هایی را ارائه دهم که از طریق آن ها بتوانید جوانان و نوجوانان را به خواندن این نوع داستان ها علاقه مند سازید.

محدوده سنی که من برای جوانان تعریف می کنم، تا حدی گسترده است و از دوازده سالگی تا بیست سالگی را دربر می گیرد. البته، این محدوده را تا بیست و پنج سالگی هم می توان بسط داد؛ چرا که میزان علاقه و کشش افراد مختلف به این نوع داستان ها، متفاوت است و

تهیه کنیم و مطمئن شوند که آن چه را می‌خواهند، می‌توانیم در اختیارشان بگذاریم، به راحتی قادر خواهیم شد آن‌ها را به سوی خود جلب کنیم. به گفته هارت ول، همان‌طور که ناشران داستان‌های علمی تشخیص داده‌اند، خوانندگان نوجوان آن‌ها، در حقیقت خونی است که در رگ‌های کالبد ایشان جریان دارد. بنابراین، ما هم باید اهمیت این مخاطبان را درک کنیم.

البته، بدیهی است که تمام نوجوانان و جوانان، به خواندن داستان‌های علمی رغبتی ندارند و جزو علاقه‌مندان این نوع داستان‌ها به شمار نمی‌آیند. توضیح لذتی که علاقه‌مندان داستان‌های علمی، از خواندن این گونه داستان‌ها می‌برند نیز بسیار دشوار است.

چگونه می‌توان چنین لذتی را شرح داد؟ چگونه می‌توان آن را به دیگری منتقل کرد؟ حتی چگونه می‌توان آن را بیان کرد؟ رسانه‌ها از داستان‌های علمی اشباع شده‌اند؛ سرگرمی‌هایی برای کودکان و نوجوانان که هم خوب هستند و هم زیانبار.

بنابراین، می‌توان گفت که حتی کودکان این دوره هم بیش از هر دوره دیگری مستعد پذیرفتن داستان‌های علمی هستند. هر چند این کودکان از روی تفنن و به صورت تفریحی به این نوع داستان‌ها - یا بهتر بگوییم سرگرمی‌ها - رو می‌آورند و سرانجام همه آن‌ها، علاقه‌مند شدن

بزرگ‌ترین داستان‌ها در آن نوشته شد. عده‌ای عقیده دارند که این دوره طلایی، در حدود سال ۱۹۲۸ بود و عده‌ای می‌گویند سال ۱۹۳۹، عده‌ای هم این دوره را سال ۱۹۵۳ یا ۱۹۷۰ می‌دانند. این بحث‌ها و جدل‌ها هم‌چنان باقی است و تاکنون هیچ مشکلی را هم حل نکرده است. مهم این است که بدانیم مخاطبان ما از چه سنی، به خواندن داستان علمی رو می‌آورند؟ عصر واقعی و طلایی داستان علمی برای هر نوجوان، سن ۱۲ سالگی است.

من با این گفته موافقم. این سن، نه تنها با واقعیت مطابقت دارد، بلکه تجربیات من هم آن را تأیید می‌کند. نتیجه بررسی‌های خوانندگان ماهنامه علمی لوتوس در سال ۱۹۸۹، نشان می‌دهد که بیشتر خوانندگان آن‌ها، از دوازده سالگی خواندن داستان‌های علمی را شروع کرده‌اند و به آن علاقه‌مند شده و تا ۲۴ سالگی آن را ادامه داده‌اند.

بررسی‌های دیگری نشان می‌دهد که اکثریت خوانندگان آن‌ها، اولین بار بین ده تا چهارده سالگی، خواندن داستان‌های علمی را شروع کرده‌اند. این اشتیاق که از سنین اولیه شروع می‌شود، سال‌های جدی مطالعه را به همراه دارد. توجه به این نکته، ما را موظف می‌سازد که به این گروه مشتاق، بیش از پیش اهمیت بدهیم. اگر برای آن‌ها مطالب درستی

داستان‌های تخیلی مطابق قواعد خاص خود عمل می‌کنند و در هر صورت، در چارچوب فرضیه‌های خود، سحرآمیز و خیالی باقی می‌مانند که به این ترتیب، چیزی از حقیقت و علم به خواننده عرضه نمی‌کنند.

با وجود این داستان‌های علمی جذابیت خاصی برای خواننده نوجوان و بسیاری از ما که هنوز کیفیت‌های مثبت دوره نوجوانی را در زندگی از دست نداده‌ایم، دارند؛ مانند میل به خیال‌پردازی، آرزوی ماجراجویی و اشتیاق به شکستن سنت‌ها و رسوم گذشته. برای نوجوانی که راه علم را پیش گرفته است، هیچ چیز لذت‌بخش‌تر از غوطه‌ور شدن در این نوع داستان‌ها نیست. این داستان‌ها هر چه بیشتر در دسترس باشند، جاذبه بیشتری در علاقه‌مندان خود ایجاد می‌کنند و کسی که از بیرون ناظر چنین اشتیاقی است، فقط ممکن است حیرت‌زده شود و از خود بپرسد، او را چه شده است؟ این داستان‌ها چه جذابیتهایی دارند، چه می‌گویند و چگونه چنین اشتیاقی برمی‌انگیزند؟

این‌ها جملات دیوید هارت ول (David Hartwell) است. او یکی از شناخته‌شده‌ترین ویراستاران داستان‌های علمی و نویسنده کتاب عصر شگفتی‌ها است. او در خلال گفته‌هایش، به بحث پایان‌ناپذیر علاقه‌مندان بزرگسال، درباره دوره طلایی داستان‌های علمی می‌پردازد؛ دوره‌ای که

داستان علمی اساساً به ظرفیت استفاده از علم و نقش آن در آینده بشر بر این کره خاکی
و به طور کلی در این جهان پهناور می‌اندیشد. این نوع داستان،
با در نظر گرفتن یافته‌های علمی، تلاش می‌کند امکان وقوع حوادث و خواسته‌های بشر را بسنجد؛
گرچه ممکن است حوادث یا خواسته‌های طرح شده در داستان تا سال‌ها
و حتی قرن‌ها بعد از آن به وقوع نپیوندند

داستان‌های علمی دیروز، به علوم واقعی امروز تبدیل شده‌اند و همین امر،
داستان‌های علمی را باورپذیرتر ساخته و شکاف بین واقعیت و تخیل را کم‌تر کرده است.
آن چه زمانی اندیشه‌ای غیرواقعی و حتی عبث جلوه می‌کرد، امروزه ممکن و عملی به نظر می‌رسد؛
حتی اگر زمان درازی تا دستیابی به آن مانده باشد



رفتارهای شخصیت‌های داستان‌های علمی،
اغلب به همان صورتی است که برای نوجوان،
مهم به شمار می‌آید و در جهت رشد شخصیتی و
افزایش آگاهی‌های اجتماعی اوست؛ البته با این
تفاوت که در این گونه داستان‌ها، معیارها بسیار
بزرگ‌تر از معیارهای واقعی هستند. این داستان‌ها
در موقعیت‌های متفاوتی به علایق نوجوانان
می‌پردازند و به همین دلیل، درک آن‌ها برای
نوجوانان راحت‌تر است. به عنوان مثال، موضوع
تبعیض نژادی را می‌توان بین انسان‌ها و
موجودات حشره‌مانندی به تصویر کشید که قصد
دارند یک پایگاه فضایی متعلق به انسان‌ها را به
تصرف خود درآورند یا نابود سازند.

داستان‌های علمی، معمولاً به طور مستقیم
با دوره‌های تحول و گذر سروکار دارند و روابط
جدیدی با چیزهای دیگر برقرار می‌سازند؛ مثل
فناوری جدید که سبب پیشرفت انسان می‌شود؛
کشفیات تازه در علوم و فنون که تغییراتی در بدن
انسان یا ساختمان مغز او ایجاد می‌کند و نحوه
درک او را از جهان اطراف برای همیشه دگرگون
می‌سازد. انسان به دنبال خودآگاهی بیشتر و درک
افزون‌تر از امکانات موجود و امکاناتی است که در
آینده به دست می‌آورد.

نژاد انسان در حال رشد و تکامل است. برای
نوجوانی که مرحله گذر از تغییرات را طی می‌کند،
ارائه نمونه‌هایی که به او بگوید چگونه می‌تواند از

که داستان‌های علمی را در نظر او تا این حد
جذاب می‌سازد؟
نوجوان اغلب خود را فناپذیر می‌انگارد و به
همین دلیل، داستان‌هایی که درباره آینده است، به
طور طبیعی به این نیاز پاسخ می‌دهد. جسم و
اندیشه نوجوان در حال تغییر است. این تغییرات به
سرعت رخ می‌دهند و در نتیجه، اندیشه نوجوانان
به هر سویی کشیده می‌شود که گاه از اختیار او
کاملاً بیرون است. نوجوانان تلاش می‌کنند تا از
خود و جایی که در آن زندگی می‌کنند، تعریف
مشخصی به دست آورند. عقاید آن‌ها هنوز جای
خود را در جامعه باز نکرده است و در عین حال،
آن‌ها به دنبال اختیار و آزادی عمل هستند.
داستان‌های علمی، ارائه دهنده عقاید خاصی
هستند. این نوع داستان‌ها بسیاری از نظریه‌های
اصلی و بنیادی را زیر سؤال می‌برند. گاه
کهکشان را سرورته می‌کنند و گاه آن را از
دریچه‌ای پیش چشم ما می‌گذارند که هرگز
نمی‌توانیم تصور بکنیم. حتی گاهی انسان را
درباره کهکشان و جهانی که در آن زندگی
می‌کند، به فکر وا می‌دارد. داستان علمی، همان
پرسش‌هایی را مطرح می‌سازد که نوجوان
می‌پرسد. آینده ما چیست؟ نقش ما در این جهان
چیست؟ آیا ما در برابر جهانی که زندگی می‌کنیم،
مسئول هستیم؟ آیا بود و نبود ما در این جهان
مهم است؟

به داستان‌های علمی نخواهد بود.
به هر حال، داستان‌های علمی دیروز، به
علوم واقعی امروز تبدیل شده‌اند و همین امر،
داستان‌های علمی را باورپذیرتر ساخته و شکاف
بین واقعیت و تخیل را کم‌تر کرده است. آن چه
زمانی اندیشه‌ای غیرواقعی و حتی عبث جلوه
می‌کرد، امروزه ممکن و عملی به نظر می‌رسد؛
حتی اگر زمان درازی تا دستیابی به آن مانده
باشد. کسی هم که نخواهد آن را بپذیرد، طرد
نمی‌شود و مجبور نیست عقاید خود را پنهان سازد
یا از آن‌ها دست بکشد.

فقط کافی است ذهنی باز و اراده‌ای آهنین
داشته باشد تا تردید خود را به حالت تعلیق درآورد
و «به جایی برود که پای هیچ کس تا به حال به
آن‌جا نرسیده است».

دوره نوجوانی ممکن است از نظر جسمی و
روحي، دوره آشفتنگي و عصيانگري باشد و نوجوان
در فواصل بين فعاليت‌ها و کشمکش‌های شدید،
به استراحت نیاز دارد. در این صورت، چه چیزی
بهتر از مطالعه، به ویژه خواندن چیزی که نیاز او
را برطرف می‌سازد و از هیجان و حوادثی آکنده
است که می‌تواند برای مدت کوتاهی توجه او را به
خود جلب کند.

نیازهای دوره نوجوانی چیست که نوجوان را
وا می‌دارد تا به داستان‌های علمی تا این حد
علاقه‌مند شود؟ چه چیزی در زندگی نوجوان است

داستان‌های علمی، ارائه دهنده عقاید خاصی هستند.

این نوع داستان‌ها بسیاری از نظریه‌های اصلی و بنیادی را زیر سؤال می‌برند. گاه کهکشان را سروته می‌کنند و گاه آن را از دریچه‌ای پیش چشم ما می‌گذارند که هرگز نمی‌توانیم تصور بکنیم. حتی گاهی انسان را دربارهٔ کهکشان و جهانی که در آن زندگی می‌کند، به فکر وامی‌دارد

داستان علمی به آینده می‌پردازد و به طریقی بر ابدیت تأکید می‌ورزد.

داستان علمی به خواننده امید می‌دهد. حتی بعد از بدترین قتل عام‌ها، بازماندگانی وجود دارند؛ قهرمانانی که بر تمام نابرابری‌ها فائق می‌آیند و اغلب این داستان‌ها با پایان خوشی همراه هستند



عهدهٔ این تغییرات برآید، بسیار جذاب است و از نگرانی‌های او تا حد زیادی می‌کاهد.

زمانی که نوجوان در حال آزمودن محدودیت‌ها و درک مرزهای دنیای خود است، داستان علمی می‌تواند به او کمک کند تا قوانین جامعه را بی‌آن‌که آسیبی به کسی برساند، در ذهن خود زیرو رو کند. نوجوان در کنار داستان علمی، قادر است جوامع دیگر را تجربه و نظریه‌های موجود را نقد کند و ذهن خود را به نحو دیگری بیاراید.

این حقیقت را نمی‌توان انکار کرد که نوجوان، از نیرویی سرکش و در عین حال طبیعی برخوردار است. علاوه بر این، نوجوان نیاز شدیدی به وابسته بودن دارد و با وجود این، اغلب احساس می‌کند که از اطرافیان‌ش جدا افتاده و با آن‌ها بیگانه است. داستان علمی می‌تواند به چنین فردی کمک کند تا احساس جدافتادگی و بیگانگی را از خود دور سازد و خود را جزئی از جامعهٔ بشری بداند و حتی به خطرهای این نوع احساس نیز پی ببرد.

خودپسندی و در کنار آن «تزلزل نوجوان، از میل او به تحسین شدن نشان دارد و اشتیاق شدید او را به ثابت کردن خود آشکار می‌کند. البته، یک تناقض دیگر هم در این میان وجود دارد: نوجوان گرچه متزلزل جلوه می‌کند، نحوهٔ فکر کردنش هم به شکل خاصی است. در داستان علمی، او می‌تواند با انسان‌هایی ارتباط برقرار کند که مانند

پایان خوشی همراه هستند. آن‌چه در وهلهٔ اول، خوانندگان داستان‌های علمی را به این نوع ادبیات علاقه‌مند می‌سازد و آن‌ها را از این بابت در یک گروه قرار می‌دهد، غلبه بر ترس و هیجان، یا دست یافتن به نوعی آگاهی و کشف عقاید دیگر، یا حتی نیاز به گریختن از وضعیت موجود نیست، بلکه وجود نوعی ادبیات دیگر است که نیازها را رفع می‌سازد.

از همهٔ این‌ها گذشته، آن‌چه خوانندگان داستان‌های علمی را با یکدیگر متحد می‌سازد، احساس عجیبی است که پس از آگاهی از اسرار طبیعت، به انسان دست می‌دهد. بار دیگر گفته‌ای از دیوید هارت ول را در این‌جا نقل می‌کنم:

«احساس عجیبی که بر اثر گستردگی غیرقابل تصور فضا و زمان به انسان دست می‌دهد، ریشه تمام هیجانانی است که در داستان‌های علمی نهفته است.

هر کودکی که شب هنگام به آسمان نگاه می‌کند و دربارهٔ ستارگان و فاصلهٔ آن‌ها تا زمین به فکر فرو می‌رود و می‌داند که آن‌ها انتهای آسمان یا پایان کهکشان نیستند، هر کودکی که بر اثر چنین اندیشه‌ای ترس و هیجان را در وجود خود احساس کند، به احتمال زیاد، خوانندهٔ داستان‌های علمی خواهد بود.»

خودش خاص و از نظر شخصیتی با او هماهنگ هستند.

در داستان علمی، و به طور کلی در ادبیات، خوانندهٔ جوان می‌تواند احساسات و عقایدی کشف کند که شبیه احساسات و عقاید خود اوست؛ چیزهایی که فقط به او تعلق دارند و دیگران در آن سهمیم نیستند. او در داستان علمی، با طیفی از قوانین مختلف رو به رو می‌شود، به تنهایی تجربه می‌کند، به کشف سیارات دیگری می‌رود، مسائل پیچیده‌ای را حل و درک می‌کند که دیگران ممکن است چگونه ببینند و رفتار کنند.

تلاش نوجوان برای بیان خلاقانهٔ احساسات و اندیشه‌ها و مطالعهٔ همزمان داستان‌های علمی، به ایجاد زمینه‌هایی برای بروز افکار بکر و خلاق در او منجر می‌شود. خوانندگان داستان‌های علمی، مرز بین واقعیت و خیال را خیلی زودتر از همسالان خود درمی‌نوردند و از اسباب بازی جدیدشان - مغز - لذت بیشتری می‌برند. گاهی آن‌چه در ذهن شکل می‌گیرد، آن قدر مهم است که کیفیت آن نادیده انگاشته می‌شود و اشتیاق به هر چه بیشتر نوشتن، جای آن را می‌گیرد.

داستان علمی به آینده می‌پردازد و به طریقی بر ابدیت تأکید می‌ورزد. داستان علمی به خواننده امید می‌دهد. حتی بعد از بدترین قتل عام‌ها، بازماندگانی وجود دارند؛ قهرمانانی که بر تمام نابرابری‌ها فائق می‌آیند و اغلب این داستان‌ها با